

## کارکرد روایت مذاکرات صلح در تاریخ سازی افغانستان و نقش آن در مناسبات میان آمریکا و طالبان

### سمانه سعیدی

گروه علمی تاریخ و باستان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### سینا فروزش (نویسنده مسئول)

گروه علمی تاریخ و باستان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### مجید رضا رجبی

گروه علمی تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۷۱ دوره ۲۰ شماره ۷۸ پاییز ۱۴۰۴ صفحه ۱۸۳-۱۶۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

### چکیده

پس از امضای «موافقتنامه رسیدن به صلح در افغانستان» در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ میان آمریکا و طالبان، انتظار می‌رفت گفت‌وگوهای بین‌افغانی آغاز شود، اما بحران‌های سیاسی منجر به تأخیر در این مذاکرات گردید. موفقیت این مذاکرات به تعهد واقعی طرفین و حمایت جامعه بین‌المللی وابسته است و مسائل پیچیده‌ای چون حقوق بشر و توسعه اقتصادی نیز باید مد نظر قرار گیرد. تفاهم‌های بین‌المللی برای کمک به ثبات و همگرایی افغانستان شکل گرفت، اما نتایج کنفرانس‌ها نشان‌دهنده توهمی در درک واقعیت‌ها بود و چالش‌هایی چون فساد اداری را نمایان کرد. تغییرات در ساختار طالبان و ظهور ملی‌گرایی دینی در این گروه، نشان از تلاش برای جلب حمایت عمومی را دارد و ممکن است برخی نیروهای محلی را به سمت مخالفان سوق دهد. طالبان باید توازنی میان ملی‌گرایی مذهبی و ارتباطات خود با قبایل پشتون برقرار کند تا هویت و مشروعیت خود را حفظ نماید. این پژوهش با رویکرد تاریخی و تحلیلی به بررسی مذاکرات صلح افغانستان پرداخته و هدف آن شناسایی حوادث پیشبرنده و بازدارنده در روند مذاکرات و تأثیر آن‌ها بر تنش‌ها در کشور و منطقه است. این مقاله از حیث جامعیت و رویکرد تاریخی خود تفاوت‌های قابل توجهی با سایر مطالعات مرتبط دارد و بر کارکرد منحصر به فرد روایت‌ها در مذاکرات صلح تأکید می‌کند و درصدد است تا عوامل مؤثر بر موفقیت یا شکست آن‌ها و پیامدهای احتمالی بر وضعیت سیاسی و امنیتی افغانستان را تحلیل نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد حضور آمریکا در افغانستان نه تنها تهدیداتی برای این کشور دارد، بلکه می‌تواند به نفوذ اسرائیل نیز منجر شود. تجارب گذشته نشان می‌دهد که حضور آمریکا در کشورهای مختلف به افزایش نفوذ اسرائیل در آن مناطق انجامیده است. افغانستان به‌عنوان بخشی از آسیای مرکزی، می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران باشد. هرچند در کوتاه‌مدت نفوذ اسرائیل به دلیل وجود جبهه متحد شمال محدود است، اما این وضعیت تضمینی برای عدم نفوذ در آینده نیست.

واژگان کلیدی: طالبان، آمریکا، افغانستان، مذاکرات صلح، لویه جرگه، کنفرانس های بین المللی

## مقدمه

افغانستان از سال ۲۰۰۱ تحت تأثیر جنگ و ناامنی قرار داشته است. ایالات متحده با شعار «سرنگونی طالبان و جلوگیری از فعالیت های تروریستی» وارد این کشور شد. پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده با متهم کردن شبکه تروریستی القاعده که در افغانستان مستقر و از حمایت طالبان برخوردار بود، در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کرد. این رویداد فرصت مناسبی را در اختیار آمریکا گذاشت تا به بهانه مبارزه با تروریسم، جورج بوش پسر طرح نظام نوین جهانی پدر خود را به صورت عملیاتی در آورد ایالات متحده با حمله به افغانستان و به تبع آن استمرار حضور خود در این کشور به دنبال حضور در یک منطقه ژئواستراتژیک مشرف بر منطقه بحرانی خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز شبه قاره هند و مناطق غربی چین است. (عبدلی، جهانی و مرادی، ۱۴۰۲: ۷۹) با گذشت زمان، عدم موفقیت در تثبیت امنیت و توسعه پایدار، ایالات متحده را به سمت مذاکرات با طالبان سوق داد. غرب و آمریکا که ۲۰ سال تمام دولت داری و نظام داری را در افغانستان نظارت کرده بودند و خود را حامی نظام اصیل خویش در افغانستان می دانستند، در یک مبارزه ای فرسایشی و دراز مدت شکست خوردند که این شکست آنها بیان کننده ای ظهور یک نظام جدید در افغانستان است که همانا تفوق امارت اسلامی بر جمهوریت اسلامی است. (محمودی، ۱۴۰۱: ۴) در تاریخ معاصر افغانستان، آبان ۱۳۸۰ (نوامبر ۲۰۰۱) به عنوان نقطه عطفی در تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور شناخته می شود. در این ماه، نیروهای جبهه متحد، پس از پنج سال مقاومت، به کابل وارد شدند و طالبان سقوط کرد. این رویداد منجر به تشکیل جلسه شورای امنیت سازمان ملل در ۱۴ نوامبر شد که در آن حمایت از مأموریت اخضر ابراهیمی و تأکید بر شکل گیری حکومت انتقالی زیر نظر سازمان ملل و اعزام نیروهای پاسدار صلح (ISAF) مورد تصویب قرار گرفت.

اخضر ابراهیمی، نماینده ویژه سازمان ملل، یک روز قبل از ورود جبهه متحد به کابل، گردهمایی نمایندگان ۲۶ کشور را برگزار کرد و بر ضرورت فراگیر بودن حکومت آینده تأکید نمود. شورای امنیت نیز طرح پنج ماده ای او را تصویب کرد که شامل برگزاری کنفرانس بین الافغانی و ایجاد اداره موقت تحت نظارت سازمان ملل بود. این تحولات به برگزاری کنفرانس بن در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ در آلمان انجامید، که هدف آن تعیین ساختار دولت انتقالی افغانستان بود. در این مذاکرات، نقش تعیین کننده ای از سوی دو بازیگر خارجی، ایران و آمریکا، مشاهده شد. علی رغم فشار شدید ایالات

متحد و زلمای خلیل زاد، تفاوت عمده ساختار جدید با دوران پیش از ۱۱ سپتامبر، حضور گسترده نیروهای دولتی نزدیک به تهران در حکومت جدید بود. (عبدلی، ۱۴۰۲: ۶۲)

مقالات مختلفی در سال‌های اخیر به بررسی منازعات و مذاکرات صلح در افغانستان پرداخته‌اند که هر یک از زوایای خاصی به این موضوع نگاه کرده‌اند.

مقاله دکتر عبدالقیوم سجادی (۱۳۹۹) با عنوان «الگوهای حل منازعه و الگوی کارآمد در افغانستان» به بررسی ماهیت و چیستی منازعه سیاسی در افغانستان می‌پردازد و تلاش داشته تا عوامل و چرایی این منازعه را تبیین کند. وی با تأکید بر سه مفهوم کلیدی مدیریت منازعه، تغییر شکل منازعه و حل و فصل آن، بر این نکته تأکید دارد که حل و فصل منازعه در کوتاه‌مدت دشوار است و مدیریت و محدود کردن دامنه منازعات به عنوان مکانیزم‌های مؤثر باید مورد توجه قرار گیرند.

دکتر محمودوحید بینش (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مسئله شناسی و راهکار صلح در افغانستان»، به تحلیل ریشه‌های جنگ و منازعه در افغانستان و تلاش‌های صلح‌سازی پرداخته و دلایل ناکامی این تلاش‌ها را بررسی می‌کند. او با نگاهی جامعه‌شناختی به تحولات جنگ و خشونت در کشور، سعی در فهم عمیق‌تری از مسائل موجود دارد.

زهره محمودی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «مذاکرات بی سرانجام صلح در افغانستان» به تحولات مذاکرات صلح و نقش طالبان می‌پردازد. او بر عدم تغییر مواضع طالبان و تأکید بر خواسته‌های خود پس از توافق صلح با آمریکا اشاره می‌کند و ملاحظات جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه مورد بررسی قرار می‌دهد. او بر این باور است که صلح پایدار تنها از طریق گفت‌وگوی واقعی بین افغان‌ها و با مشارکت همه گروه‌های سیاسی ممکن است.

این پژوهش با نگاهی تاریخی و تحلیلی به بررسی مذاکرات صلح افغانستان پرداخته و سعی دارد تا با استفاده از یک چراغ‌قوه مفهومی، روایات مربوط به این مذاکرات را روشن نماید. هدف اصلی این تحقیق شناسایی حوادث پیش‌برنده و بازدارنده در روند مذاکرات و بررسی نقش آن‌ها در میزان تنش‌ها در کشور افغانستان و همچنین در سطح منطقه است. به این ترتیب، این مقاله از حیث رویکرد جامع و تاریخی خود، تفاوت‌های قابل توجهی با سایر مقالات مرتبط دارد، نویسنده بر این باور است که روایت‌ها چه در صورت ظاهری شکست، و چه پیروزی، کارکرد منحصر به فرد خودشان را دارند و در این پژوهش سعی در روشن نمودن کارکرد روایت مذاکرات صلح در افغانستان را داشته است.

روش انجام تحقیق بستگی به اهداف و سوالات تحقیق، دامنه تحقیق، ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن دارد. تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و روش، تاریخی-تطبیقی و به لحاظ شیوه

تدوین و نگارش در زمره پژوهش های توصیفی-تحلیلی قرار دارد. اطلاعات این تحقیق به شیوه کتابخانه ای و با مراجعه به اسناد، کتب، مقالات و سایر متون چاپی گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات هم با رویکرد کیفی و مبتنی بر عقل و منطق و استدلال صورت گرفته است. علاوه بر این، محقق در راستای پاسخ گویی به سوالات تحقیق و دستیابی به اهداف تعیین شده، از رویکرد تحلیل محتوا نیز بهره برده است که در آن به تفسیر محتوایی داده های کیفی مربوطه پرداخته شده است. بر این اساس می توان گفت که تحقیق حاضر مبتنی بر پارادایم تفسیری است که بر درک معنای رویدادها توسط محقق استوار است.

#### تاریخچه مذاکرات

تاریخ مذاکرات بین آمریکا و طالبان به سال های اولیه حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان بازمی گردد. اما مذاکرات رسمی تر از سال ۲۰۱۸ آغاز شد. توافق دوحه در فوریه ۲۰۲۰ نقطه عطفی در این فرآیند بود که به خروج نیروهای آمریکایی و کاهش خشونت ها منجر شد.

#### کنفرانس های مهم

ظهور ایالات متحده آمریکا در افغانستان و ایجاد زیرساخت ها، به معنای آمریکایی شدن سیاست داخلی این کشور طی دو دهه اخیر بود. با کمک آمریکا، کشورهای دیگر نیز در زمینه زیرساخت ها و مسائل مختلف مشارکت کردند و برگزاری نشست های بین المللی و منطقه ای، سرنوشت آینده افغانستان را تحت تأثیر قرار داد. تحولات افغانستان پس از کنفرانس بن، با برگزاری کنفرانس های مهم دیگری ادامه یافت که به ابعاد مختلف توجه جامعه جهانی به این کشور پرداخته و ادعای تاریخی مبنی بر تمرکز جهان بر افغانستان را تقویت کرد. دستاوردهای افغانستان نه تنها نتیجه گفت وگوهای این کنفرانس ها بود، بلکه مقدمه ای برای نشست های آینده نیز فراهم آورد. حمایت از افغانستان، علاوه بر کنفرانس بن، شامل برگزاری کنفرانس های متعدد دیگری بود که در آنها بازیگران بین المللی و منطقه ای حمایت سیاسی و بشری خود را برای پیشرفت افغانستان اعلام کردند. به این ترتیب، گام های مهمی پس از کنفرانس بن برای افغانستان برداشته شد که می توانست سودمندی بیشتری برای این کشور به همراه داشته باشد. (دادخواه، ۱۴۰۲: ۱۷۱)

| عنوان<br>کنفرانس    | کنفرانس های مهم برای افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ (همان)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بن<br>(دسامبر ۲۰۰۱) | شروع تحولات جدید افغانستان و ادامه حیات جمهوری در بطن نظام اسلامی؛ این کنفرانس رد پای آمریکا را در افغانستان محکم کرد، کنفرانس بن در دسامبر ۲۰۰۱، یکی از نقاط عطف مهم، در تحولات سیاسی افغانستان بود، که زمینه ساز شکل گیری نظام جمهوری بر مبنای دموکراسی گردید. این کنفرانس به ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، نقش کلیدی در شناسایی افغانستان به عنوان کشوری بدون حکومت مؤثر ایفا کرد و راه را برای دریافت کمک های بین المللی هموار ساخت. نتایج این کنفرانس، نه تنها حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان را تحت تأثیر قرار داد، بلکه بنیان گذار کنفرانس های آتی نیز شد و سرنوشت دو دهه آینده این کشور را رقم زد. کنفرانس بن در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ در شهر پیتزبورگ در نزدیکی بن پانخت آلمان برگزار شد. در نشست بن |

## کارگرد روایت مذاکرات صلح در تاریخ سازی افغانستان و نقش آن در مناسبات میان آمریکا و طالبان

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |                       |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|
| چهار گروه از افغانستان شامل: ۱- ائتلاف شمال ۲- طرفداران ظاهرشاه ۳- گروه قیرس ۴- گروه پشاور و همچنین ۱۹ کشور به عنوان ناظر حضور داشتند. (داینز: ۲۰۰۸: ۷۷۲) پس از کنفرانس بین نخستنای دیگری برای پیگیری نتایج آن برگزار شد: توکیو ۲۰۰۲، برلین ۲۰۰۴، لندن ۲۰۰۶، رم ۲۰۰۷، پاریس ۲۰۰۸، مسکو ۲۰۰۹، الهه ۲۰۰۹، لندن ۲۰۱۰، بن ۲۰۱۱، لندن ۲۰۱۴، (پیش، ۱۳۹۹: ۴۶)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |                       |
| کنفرانس توکیو، که پس از یک سال و اندی از تحولات افغانستان برگزار شد، به بررسی روند دولت سازی و نیاز به یک طرح منظم برای بازسازی این کشور پرداخت. در این کنفرانس، نمایندگان کشورهای مختلف توافق کردند که ۵.۴ میلیارد دلار به افغانستان کمک کنند تا اقتصاد و زیرساخت های آن را تقویت کنند. ایالات متحده با اختصاص ۲۹۰ میلیون دلار بهبود وضعیت اقتصادی مردم افغانستان را هدف قرار داد. این کمک ها نه تنها به بازسازی زیرساخت ها، بلکه به رشد سواد، ترمیم جاده ها و بهبود سیستم های آموزشی و بهداشتی نیز اختصاص یافت. دولت افغانستان در این کنفرانس بر اجرای برنامه های اصلاحی مانند تسلیم سلاح توسط گروه های مسلح تأکید کرد. کنفرانس توکیو با حضور وزرا و نمایندگان ۶۱ کشور و ۲۱ سازمان بین المللی، به عنوان اولین گام برای سازماندهی کمک ها به افغانستان شناخته شد. در این جلسه، نیازهای افغانستان برای بازسازی طی ۱۰ سال آینده به مبلغ ۱۵ میلیارد دلار تشریح شد. همچنین، در کنفرانس برلین در سال ۱۳۸۳، این رقم به ۲۷.۴ میلیارد دلار افزایش یافت. نقش بانک جهانی در ارسال کمک های مالی نیز در این فرآیند برجسته بود. برگزاری این کنفرانس به عنوان نشانه ای از شایستگی افغانستان برای دریافت کمک های بین المللی تلقی شد.                     | توکیو<br>(جنوری ۲۰۰۲) |
| کنفرانس برلین در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۴ با حضور مقامات دولت انتقالی افغانستان و نمایندگان کشورهای کمک کننده برگزار شد. در این کنفرانس، جامعه جهانی به تعهد پرداخت هشت میلیارد دلار برای بازسازی افغانستان در مدت سه سال تأکید کرد و بر لزوم تخصیص بیشتر کمک ها از طریق دولت و برنامه های اولویت دار تأکید نمود. دولت افغانستان درخواست ۱۲ میلیارد دلار برای سه سال آینده را مطرح کرد و بر اهمیت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی تأکید کرد. همچنین، بر ضرورت بهبود وضعیت بهداشت، تأمین انرژی و پروژه های راه سازی تأکید شد. (ناجی، ۲۰۱۰) در این کنفرانس، فقدان یک طرح جامع و مدیریت اصولی در امر بازسازی مورد بحث قرار گرفت و به این نکته اشاره شد که کمک های کنفرانس توکیو نتایج مطلوبی نداشته است. مقامات دولت انتقالی متعهد شدند تا برای ایجاد دولتی سالم و عاری از فساد، تقویت بخش خصوصی و مبارزه با مواد مخدر تلاش کنند. در نهایت، سند «تضمین آینده افغانستان» ارائه شد که نیاز به ۲۷.۴ میلیارد دلار برای هفت سال آینده را مطرح کرد. همچنین، اعلامیه ای به امضا رسید که در آن جامعه بین المللی متعهد به کمک به افغانستان برای بهبود امنیت و توسعه شد و توافقاتی برای مبارزه با مواد مخدر بین افغانستان و همسایگانش برقرار گردید. | برلین<br>(مارچ ۲۰۰۴)  |
| این کنفرانس در اول فبروری ۲۰۰۶ در طی یک جمع آمده، که دو روز را در بر می گرفت در لندن برگزار گردید در این کنفرانس برای آینده ای مالی افغانستان تعهد گردید که به مقدار ده میلیارد دلار امریکای از سوی هفتاد کشور جهان کمک شود تا که بر این اساس بازسازی و راهبردهای دودمدار اقتصادی در این کشور با اتکا بر این مبالغه تحقق یافته و رشد بالنده اقتصادی را تجربه کند. این کنفرانس به صورت اساسی و مهم بودنش در طی سه هدف اساسی تدوین و بالاخره برگزار گردید که این سه عبارت اند از: ۱- آغاز رسمی توافق نامه افغانستان؛ ۲- ارائه راهبرد موقت اکتشاف ملی به جامعه بین المللی؛ ۳- تضمین اینکه دولت افغانستان بنابر راهبردی که دارد می تواند مشکلات اقتصادی خویش را در آینده نزدیک مرفوع سازد؛ قابل ذکر است که، در تاریخ برگزاری نشست های بین المللی برای کشور افغانستان، دو کنفرانس مهم برگزار شده، یکی کنفرانس لندن ۲۰۰۶ است و دومی کنفرانس است که در سال ۲۰۱۰ برگزار گردید.                                                                                                                                                                                                                                                                    | لندن<br>(فبروری ۲۰۰۶) |
| یگانه کنفرانسی بود که، در آن فضای قانون سازی و بالاخره تصمیم بر ایجاد سیستم قضائی قانون محور و بروز با سطح جهان در طی نشست خاص برای افغانستان زیر دست گرفته شد که این نگرش، افغانستان پس از ۳۰ سال آشوب و بی قانونی در عرصه سیستم قضائی این مشکل را مرفوع کرده و گام بر یک ساختار منظم و قانون مندی دهد که بنابر آن این گونه از مشکلات که یکی از اساسی ترین مشکلات درونی افغانستان بود حل گردد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | روم<br>(جولای ۲۰۰۷)   |
| این کنفرانس به هدف ارائه برنامه پنج ساله دولت افغانستان برگزار گردید و نمایندگان کشورهای شرکت کننده تعهد نمودند تا مطابق به برنامه پیشکش شده دولت افغانستان مبلغ ۱۰ میلیارد دلار را برای این کشور تعهد نمایند. این کنفرانس مشترکاً توسط سرگوزی رئیس جمهور فرانسه، بانکو من سرمنشی سازمان ملل متحد و حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان افتتاح گردید. در این کنفرانس وزرای ۶۵ کشور جهان و در حدود ۲۰ سازمان و نهاد بین المللی گرد هم آمده بودند که افغانستان با ارائه برنامه پنج ساله ای که شامل بازسازی پروژه های حیاتی و مورد نیاز افغانستان بود، خواهان ۵۰ میلیارد دلار گردیدند. امریکا ده میلیارد دلار سازمان ملل متحد یک میلیارد دلار و ژاپن نیم میلیارد دلار کمک های جدیدشان را تعهد کردند و کشورهای دیگر از جمله فرانسه و آلمان نیز اعلام نمودند که کمک هایشان را دو برابر خواهند ساخت. (فاضلای، ۱۳۴۵: ۱۱۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             | پاریس<br>(جون ۲۰۰۸)   |
| در این کنفرانس که عنوان کلی آن زیر نام «بحران و سناریوهای اکتشافی» خلاصه می گردد در ۸ مارچ ۲۰۰۹ در شهر مسکو پایتخت روسیه برگزار گردید. این کنفرانس در کلیت خود با نامی که در بالا از آن یاد شد برگزار و اهداف خاص را تعیین کرد. به دنبال سایر برنامه هایی که از سوی جامعه جهانی و همین گونه دول مقتدر در خصوص افغانستان روی دست گرفته می شد این کنفرانس هم برای حفظ رابطه جهانی و همین منوال رسانیدن کمک های جهانی برای افغانستان برگزار گردید. اصلی ترین هدف آن را می توان بر موضوعات همچون؛ مبارزه با تروریسم قاچاق مواد مخدر و همین گونه مبارزه با چنین مشکلات در افغانستان دانست که میزبان آن روسیه بود.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | مسکو<br>(مارچ ۲۰۰۹)   |
| در این کنفرانس که کشور هلند میزبان آن بود، اشتراک کنندگان آن از ۷۰ کشور دنیا گرد هم آمدند تا که طرح و پلان اساسی شان را در خصوص افغانستان در زمینه های رشد حکومت داری خوب، توسعه اقتصاد و امنیت قوی که در کل زیر نام راهبرد جامع در معادلات منطقه ای بود برای این کشور روی دست گیره اصلی ترین عضو این کنفرانس بانو بایرکیس ملکه هلند بود که این کنفرانس بنا دعوت آن در کشورش برگزار گردید.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | هاگ مارچ<br>(۲۰۰۹)    |
| کنفرانس بین المللی کابل در جولای ۲۰۱۰، به میزبانی حامد کرزی و بانکو مون، دبیرکل سازمان ملل، برگزار شد و تأثیر زیادی بر آینده افغانستان داشت. در این کنفرانس اهداف کلیدی برای امنیت و اقتصاد کشور تعیین گردید. کرزی از کشورهای شرکت کننده خواست تا حمایت های خود را از نیروهای امنیتی افغان افزایش دهند و رشد اقتصادی را از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد ارتقا دهند. پس از کنفرانس، اعلامیه هایی صادر شد که تعهد افغانستان به بهبود شرایط اقتصادی و امنیتی را تأکید می کرد. این کنفرانس به عنوان یکی از مهم ترین رویدادها در تاریخ افغانستان شناخته می شود و اصطلاح «پروسه کابل» در آن مطرح گردید که شامل اصلاحات حکومتی و برنامه صلح بود. اعلامیه کنفرانس بر رهبری افغان ها و ادامه همکاری جامعه جهانی در انتقال مسئولیت های امنیتی تأکید داشت. این کنفرانس همچنین به تأسیس برنامه صلح و ادغام مجدد اشاره کرد و ۷۰ کشور و ۴۰ وزیر خارجه در آن شرکت کردند که نشان دهنده مشروعیت بین المللی برای افغانستان بود.                                                                                                                                                                                                                                       | کابل<br>جولای (۲۰۱۰)  |
| این کنفرانس با عنوان «امنیت و همکاری در قلب آسیا» به میزبانی ترکیه در استانبول برگزار شد. هدف این کنفرانس، تقویت نقش ترکیه به عنوان دریافت کننده کمک های جهانی برای افغانستان و بهبود اوضاع اقتصادی و امنیتی در منطقه بود. کشورهای شرکت کننده شامل افغانستان، ترکیه، پاکستان،                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             | استانبول              |

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |                            |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|
| هنه، ایران، چین، روسیه و چند کشور دیگر بودند. همچنین، تعدادی از کشورها و نهادهای بین‌المللی به عنوان ناظر در این نشست حضور داشتند. در پایان کنفرانس، قطعنامه‌ای صادر شد که بر حمایت از صلح در افغانستان تأکید کرد و توافق شد که نشست‌های آینده‌ای برای بحث در مورد مسائل افغانستان برگزار شود.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | (نوامبر ۲۰۱۱)              |
| کنفرانس دوم بن، در آلمان با حضور وزیران خارجه و دیپلمات‌های ۸۵ کشور و ۱۵ سازمان بین‌المللی برگزار شد. در این کنفرانس، اعلامیه‌ای تحت عنوان «افغانستان و جامعه بین‌الملل از انتقال تا دهه تحول» منتشر شد. سند پایانی کنفرانس که به امضای نزدیک به ۱۰۰ نماینده رسید، تأکید کرد که کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان حداقل تا ۱۰ سال پس از خروج نیروهای خارجی ادامه خواهد داشت. دولت افغانستان به ایجاد تغییرات پایدار و اصلاحات دموکراتیک و مبارزه با فساد توصیه شد. وزیر مالیه افغانستان اعلام کرد که برای تأمین هزینه‌های ملکی و نظامی، سالانه به ۷ میلیارد دلار کمک خارجی نیاز است. سه موضوع اصلی کنفرانس شامل انتقال مسئولیت به دولت افغانستان تا پایان ۲۰۱۴، همکاری درازمدت جامعه جهانی بعد از ۲۰۱۲ و هدایت پروسه سیاسی به سمت ثبات درازمدت بود. (همان: ۱۵۴-۱۵۵) تعهدات جامعه جهانی عمدتاً بر ایجاد امنیتی و آماده‌سازی نیروهای افغان تمرکز داشت. کنفرانس مذکور به میزبانی آلمان و رهبری افغانستان راه اندازی شد که در آن ۸۵ کشور و سازمان بین‌المللی اشتراک داشتند. (همان) | بن دوم<br>دسامبر<br>(۲۰۱۱) |
| کنفرانس ۲۰ می ۲۰۱۲ در شیکاگو به منظور بررسی وضعیت افغانستان برگزار شد و بیش از ۵۰ نماینده از کشورهای مختلف در آن شرکت کردند. هدف اصلی این کنفرانس تأکید بر حمایت مستمر از افغانستان تا سال ۲۰۱۴ بود. اعضای ناتو نیز در این نشست حضور داشتند و تعهد کردند که بیش از چهار میلیارد دلار کمک نقدی به افغانستان ارائه دهند. این کنفرانس به افغانستان این امکان را داد که پس از سال ۲۰۱۴، حضور ناتو را تجربه کند و انتقال مسئولیت‌های امنیتی به نیروهای افغان آغاز شود.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             | شیکاگو<br>می (۲۰۱۲)        |
| کنفرانس ۸ جولای ۲۰۱۲ به میزبانی زاین برای افغانستان برگزار شد تا تعهدات بین‌المللی به این کشور را بررسی کند. در این نشست که با حضور ۷۰ کشور و سازمان‌های بین‌المللی برگزار شد، بر ادامه همکاری‌های درازمدت و ارسال کمک‌های مالی تا سال ۲۰۱۴ تأکید شد. مجموعاً ۱۶ میلیارد دلار برای افغانستان تعهد شد. هدف اصلی این همایش، حمایت از افغانستان در دهه تحول و کمک به آن برای عبور از این مرحله حیاتی بود.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | نوکیو<br>جولای<br>(۲۰۱۲)   |
| کنفرانس لندن در تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۱۴ با مشارکت محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور وقت افغانستان، و دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا، برگزار شد. نظارت و ارزیابی ۷۴ کشور و سازمان بین‌المللی در این کنفرانس نشان‌دهنده این بود که هنوز فرصت‌های دیگری برای افغانستان در آینده وجود دارد. حکومت وحدت ملی به رهبری غنی در این نشست اصلاحات داخلی افغانستان را به منظور جلب توجه جامعه جهانی ارائه کرد، اما متأسفانه نتایج مثبتی به همراه نداشت. بر اساس آمار ارائه شده از سوی وزارت مالیه دولت افغانستان، پنج کمک‌کننده بزرگ شامل ایالات متحده (۷۰۰ میلیون دلار)، آلمان (۴۵۰ میلیون دلار)، بانک جهانی (۴۰۰ میلیون دلار)، بانک توسعه آسیایی (۳۰۵ میلیون دلار) و هند (۲۵۰ میلیون دلار) بودند. همچنین اتحادیه اروپا نیز تعهد کرد که طی چهار سال آینده کمک‌هایی به ارزش سه میلیارد و سیصد هزار دلار به افغانستان اعطا کند.                                                                                                                                                                     | لندن<br>دسامبر<br>(۲۰۱۴)   |
| کنفرانس بروکسل که در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۶ برگزار شد، آخرین فرصت همکاری جهانی در قبال افغانستان بود. این کنفرانس با حضور محمد اشرف غنی و نمایندگان ۷۰ کشور و سازمان بین‌المللی در پایتخت بلژیک برگزار گردید و به عنوان نقطه پایانی توجهات جهانی به کمک‌های میلیاردی به افغانستان شناخته می‌شود. بر اساس گزارش‌ها، افغانستان از این کنفرانس وعده دریافت ۳.۵ میلیارد دلار کمک‌های جهانی را دریافت کرد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             | بروکسل<br>(۲۰۱۶)           |

کنفرانس بن، که پس از سقوط طالبان برگزار شد، به پایان مأموریت‌های بین‌المللی در افغانستان منجر نشد. پس از این کنفرانس، توجهات جهانی به مسائل دیگر این کشور معطوف گردید و تفاهم‌های بین‌المللی برای کمک به ثبات و همگرایی افغانستان شکل گرفت. این کمک‌ها می‌توانست منجر به ثبات اقتصادی و استراتژیک شود. برگزاری مکرر کنفرانس‌ها امیدهایی را برای پیشرفت افغانستان ایجاد کرد، اما نتایج آن نشان‌دهنده توهمی در درک واقعیت‌ها بود که شامل فساد اداری و چالش‌های دیگر می‌شود.

#### کنفرانس دوحه: نقطه عطفی دیگر، در تاریخ سیاسی افغانستان

آغاز دهه جدید در افغانستان با از بین رفتن دستاوردهای کنفرانس بن و تحولی عمیق در آینده سیاسی و اجتماعی کشور همزمان است. این تحول به «کنفرانس دوحه» مرتبط می‌شود که نماد سقوط جمهوریت و پایان دو دهه تاریخ افغانستان به شمار می‌آید. در این روند، افغانستان فصل جدیدی از سیاست اسلامی مطلقه را آغاز می‌کند و چالش‌های اصلی آن، شامل جنگ و ناامنی، همچنان باقی است. در کنفرانس دوحه، دو گروه اصلی جمهوریت و جمهوری‌خواهان در مقابل امارت اسلامی قرار گرفتند. این دو طرف به عنوان واقعیت‌های شناخته‌شده بین‌المللی، قیمت‌های

اصلی معادله صلح و جنگ را تشکیل می دادند. اما نقش نامتوازن برخی لابی گران منطقه ای در این معادله، ثبات ملی را تضعیف کرد و بهای آن، خون هزاران جوان افغان بود. کنفرانس بن که پایه گذار تحولات دو دهه اخیر بود، نتوانست طرف های واقعی در قضیه صلح و جنگ را شناسایی کند و با نادیده گرفتن یکی از طرف های اصلی، بنیاد تفرقه افکنی را در کشور بنا نهاد. برای رسیدن به صلح واقعی، نیاز به میانجی گری و تضمین خواسته های مردم افغانستان وجود داشت؛ نشستن بر سر میز مذاکره کافی نبود و تمکین طرف مقابل نیز ضروری بود.

#### عوامل مؤثر بر پیشبرد مذاکرات

##### اراده سیاسی

وجود اراده سیاسی از سوی هر دو طرف برای رسیدن به توافق، یکی از عوامل کلیدی در موفقیت مذاکرات است. طالبان تمایل داشتند مشروعیت بین المللی کسب کنند و ایالات متحده نیز به دنبال خروج نیروهای خود بود. این دو عامل، مبنای برگزاری کنفرانس دوحه را که از سال ۲۰۱۸ مطرح شد، شکل داد. کنفرانس حاوی نکات کلیدی پیرامون حل و فصل قضیه صلح و جنگ در افغانستان بود. اولین نشست طالبان با زلمی خلیل زاد در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۸ در دوحه قطر انجام شد و نشست های بعدی در روسیه، ازبکستان و ناروی و در مجموع ۹ دور مذاکرات صورت گرفت. چهره های کلیدی مذاکرات زلمی خلیل زاد به عنوان فرستاده ویژه دولت امریکا و شیر محمد عباس استانکزئی، رئیس پیشین دفتر سیاسی طالبان در قطر بود. (بینش، ۱۳۹۹: ۵۴)

سیاست آمریکا از اواخر دوره ریاست جمهوری اوباما و در دوران ترامپ، کاهش میزان حضور نظامی در خاورمیانه بود. در حال حاضر، اولویت نخست ایالات متحده به منطقه آسیای دور و به ویژه چین معطوف شده است. این تصور از همان زمان وجود داشت و هنوز هم ادامه دارد. اوباما در اواخر دوران ریاست جمهوری اش بر این باور بود که دیگر نمی توانند برای کشورهای ثروتمند منطقه خلیج فارس هزینه های انسانی بپردازند و آن ها باید خود مسائلشان با ایران را حل کنند. ترامپ نیز با لحنی متفاوت همین موضوع را مطرح کرد و معتقد بود که اگر قرار است آمریکا از این کشورها دفاع کند، باید هزینه آن را پرداخت نمایند. او همچنین از این کشورها مبالغ هنگفتی را اخاذی کرد. بنابراین، اقداماتی که باید انجام داد باید در راستای سیاست های اوباما و ترامپ دیده شود و خروج از منطقه در چارچوب یک تئوری کلی قرار می گیرد که از گذشته وجود داشته است.

در حال حاضر، مهم ترین اولویت آمریکا به لحاظ امنیتی و نظامی، آسیای دور و به ویژه چین است. به همین دلیل، ایالات متحده تمایل دارد بار خود را در خاورمیانه سبک کند و اقداماتی نیز در این

زمینه انجام داده است. به عنوان مثال، ترامپ تعداد قابل توجهی از نیروهای نظامی خود را از سوریه و عراق خارج کرد. با این حال، خروج از کشورها، به ویژه در منطقه خاورمیانه، به سادگی امکان پذیر نیست و مسائل متعددی کشور اشغالگر را دچار چالش می کند، همان طور که در افغانستان مشاهده شد. آمریکا نمی تواند با توجه به رقابت های سنگین و پیچیدگی های موجود در افغانستان، به طور کامل این کشور را ترک کند و این موضوع ممکن است به مشکلاتی منجر شود. احتمالاً نحوه خروج پر دردسر آمریکایی ها از افغانستان موجب تجدید نظر در اولویت بندی مسائل سیاست خارجی و امنیتی آن ها خواهد شد.

این بدان معناست که تخلیه نیروها به سادگی انجام نخواهد گرفت و ناآرامی ها نیز به راحتی خاتمه نخواهد یافت. بنابراین، هرگونه اقدام باید متناسب با شرایط و تعارض های موجود طراحی شود. لازم به ذکر است که طراحی در جهان امروز بسیار دشوار است و نمی توان به طور کامل بر موضوعات تسلط یافت. طراحی مناسب زمانی ممکن است که همه جوانب و جزئیات موضوع به خوبی فهمیده شود، اما در کشوری مانند افغانستان، تحولات به قدری پیچیده و سریع است که عملاً فرصت پیش بینی و طراحی را از دیگران می گیرد. (مسجد جامعی، ۱۴۰۱: ۱۱۳)

در این فصل آمریکا شکست نظامی اش را ترجیح بر پیروزی دیپلماسی داد و طرح صلح افغانستان را رد کرد. همکاری کفرانس دوحه رقم زد. سرآغاز فصل جدید مذاکرات دوحه بر می گردد به میانجی گری و پادرمیانی دولت هایی که مداخله آن در امورات افغانستان ضروری و مهم تلقی می شد. آمریکا که کاروان خسته و آشفته حکومت داری افغانستان را از ۲۰ سال قبل رهبری می کرد، در این کفرانس نقش کلیدی را بازی می کرد از اینکه این کشور می بایست پایان صلح و جنگ افغانستان را اعلام کند، عجلتاً وارد عمل شد و زمینه را برای تحصیل کفرانس مهیا ساخت. متعاقب آن کشورهای دیگر همچون قطر که سال های قبل در بطن خود گروه مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان یعنی امارت اسلامی را جا داده بود خویش را وارد لابی گری قضیه جنگ و صلح افغانستان ساخت. البته این مورد تنها بر می گردد به دخالت در حوزه موضوعی قضیه نه ساختاری و بنیادی. قطر تنها جا را برای مذاکره ی طرف های درگیر آماده کرد و آمریکا نقش کلیدی و ساختاری را بازی کرد. گفتنی است که آمریکا در این هدف و استراتژی اش تنها موقف خویش را در قضیه صلح و جنگ کشور ثابت می کرد، نه امرار حیات سیاسی اش را در افغانستان. (دادخواه، ۱۴۰۲: ۲۲۶-۲۲۴) کفرانس دوحه برای افغانستان از اهمیت حیاتی برخوردار بود، زیرا مفاهیمی چون جنگ و صلح در آن مطرح می شد. حیات سیاسی افغانستان به برگزاری این کفرانس وابسته بود و این عامل می توانست روند اتحاد و ثبات کشور را رقم بزند. در صورت ناکامی این کفرانس، دستاوردهای بیست ساله و همکاری های کشورهای غربی با افغانستان به کلی بی ارزش می شد.

## شرایط داخلی

وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان تأثیر زیادی بر روند مذاکرات داشت. بحران‌های انسانی و نیاز به کمک‌های بشردوستانه دو طرف را به گفتگو ترغیب کرد. نظام سیاسی و مدیریت افغانستان به کیفیت قانون اساسی<sup>۱</sup> آن بستگی دارد که امکان رشد اقوام مختلف، به ویژه هزاره‌ها و شیعیان، را فراهم کرده است. در دو دهه اخیر، هزاره‌ها از نظر علمی و آکادمیک پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند و حق رشد و توسعه بیشتری یافته‌اند. بر اساس آمار، شیعیان بالاترین رتبه‌های کنکور و تحصیلات دانشگاهی را کسب کرده‌اند، هرچند که اشرف غنی با تغییر سیستم پذیرش کنکور به شیوه منطقه‌ای، سعی در محدود کردن این رشد داشت. نظام سیاسی افغانستان همچنین تحت تأثیر سنت تاریخی «لویی جرگه» قرار دارد، که به معنای گردهمایی بزرگان قبایل است. ظاهرشاه در زمان بروز مشکلات میان مجاهدین و بی‌نظمی‌ها بر ضرورت تشکیل لویی جرگه برای مدیریت شرایط تأکید می‌کرد تا بر اساس نظرات آن، تصمیمات آینده کشور اتخاذ شود. (مسجد جامعی، ۱۴۰۱: ۱۱۴-۱۱۳) چنین واقعیتی به لحاظ سنتی و به دلیل وجود اقوام مختلف از جمله ازبک، تاجیک، پشتون و هزاره در افغانستان وجود دارد و این اقوام خود نیز در درون متشکل از برخی قبایل هستند (Heber, 2012: ۳۴) و این بدین معناست که واقعیت قبیله‌ای در کنار واقعیت قومی در افغانستان بسیار نیرومند و نمایان است. قوم در افغانستان مفهوم و کاربرد وسیعی دارد؛ روابط اجتماعی بیشتر بر مبنای ویژگی‌ها شرایط و مصالح قومی شکل می‌گیرد. در گذشته، مفهوم قوم بار مذهبی داشت؛ بعدها بار نژادی به خود گرفت و سپس بار فرهنگی نیز به آن اضافه شد. بیشتر سلسله‌های گذشته با نام اقوام تشخیص پذیرند، تیره طایفه و قبیله از زیر مجموعه‌های قوم هستند. (علی آبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۸-۱۰۷) بر اساس این سنت‌های درونی بزرگان قبایل گرد می‌آمدند و تصمیم‌سازی می‌کردند. برای نمونه احمدخان ابدالی نیز که به اعتباری مؤسس افغانستان است توسط نوعی لویی جرگه انتخاب شد. (امامی، ۱۳۷۸: ۲۸؛ الفینستون، بی تا: ۳۹۵؛ علی آبادی، ۱۳۹۵: ۱۱۷)

علاوه بر مسئله‌ی لویی جرگه افغان‌ها (ر.ک: سرافراز، ۱۳۹۷: ج ۲: ۴۰-۳۹؛ پهلوان، ۱۳۷۷: ۳۴؛ اندیشمند، ۱۳۸۴: ۱۰۶) افغان‌ها به حلقه‌های صوفی تعلق خاطر زیادی دارند و تاریخ افغانستان نشان‌دهنده تأثیر این ساختار دینی و صوفی بر جامعه است. تاج پادشاهی به دست یک عالم صوفی بر سر احمدخان گذاشته شد. یکی از مشکلات اصلی دولت در افغانستان این است که شاکله و تقسیم قدرت بر اساس قانون اساسی شکل نگرفته و به همین دلیل، حکومت غنی نتوانسته است در

<sup>۱</sup> سیستم در افغانستان طی دو دهه اخیر بر اساس مدل ریاستی ریاست جمهوری بود.

برابر چالش‌ها مقاومت کند. همچنین، حامد کرزای به عنوان یک شخصیت اجتماعی و نه صرفاً رئیس‌جمهور، اعتبار خود را از جایگاه خانوادگی‌اش به عنوان بزرگ قوم پشتون به دست آورده است، زیرا در جوامع سنتی اعتبار افراد بیشتر به جایگاه خانوادگی‌شان بستگی دارد تا سمت‌های رسمی. (همان) قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، در هر سرزمینی که حضور دارند، اولویت اولشان حفظ قدرت و تأمین منافع خود است. در افغانستان، آمریکا بر اساس منافع خود عمل کرده و واقعیت‌های داخلی کشور را نادیده نگرفته است. این واقعیت‌ها گاهی با طرح‌های قدرت‌های خارجی هماهنگ هستند و گاهی نه، که می‌تواند به شکست منجر شود. آمریکا پس از صرف میلیاردها دلار برای بازسازی ارتش افغانستان، با شکست مواجه شد و این موضوع به فروپاشی دولت اشرف غنی انجامید. عوامل متعددی در این فرآیند دخیل بودند که برخی از آنها پیش‌بینی‌ناپذیر بودند. در نهایت، پیچیدگی‌های حوادث باعث شد که نتایج نهایی از کنترل طراحان خارج شود. (همان)

#### فشارهای بین‌المللی

فشارهای جامعه جهانی و کشورهای همسایه افغانستان نقش مهمی در تسهیل مذاکرات صلح ایفا کرده‌اند. این کشورها به دنبال ایجاد ثبات در افغانستان بوده و این امر موجب شد که طالبان به میز مذاکره بیاید. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، بر لزوم کاهش خشونت و دستیابی به توافق سیاسی پایدار تأکید کرد. وزیر امور خارجه قطر و اعضای ناتو نیز بر اهمیت این توافق و تأثیر آن بر ثبات منطقه تأکید کردند. با این حال، ایران نگرانی‌هایی درباره مشروعیت توافقات بین‌المللی دارد و بر لزوم گفت‌وگوهای بین‌افغانی تأکید می‌کند. به طور کلی، جامعه جهانی در پی ایجاد محیط امن و پایدار برای افغانستان است، که نیازمند همکاری و نظارت بین‌المللی بر روند مذاکرات است. قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای مانند آمریکا، چین، روسیه، هند و پاکستان تأثیرات عمیقی بر روند صلح و جنگ در افغانستان دارند. این کشورها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: حمایت‌کننده‌ها (مانند آمریکا و قطر)، خوشبین‌ها به روند مذاکرات و منزوی‌ها که نقش کمتری دارند. پاکستان به عنوان پناهگاه تروریست‌ها شناخته شده و انتقادات زیادی از سوی آمریکا و هند دریافت کرده است. هند نیز با حمایت از دولت جمهوری افغانستان، نقش مهمی در ایجاد ثبات ایفا می‌کند. فشارهای بین‌المللی بر روند مذاکرات تأثیرگذار بوده و ضرورت همکاری همه‌جانبه برای دستیابی به صلح پایدار در افغانستان را نمایان می‌سازد. (موسسه آینده پژوهی جهان اسلام، بی تا: ۴۱-۴۰)

چالش‌ها و امیدها در کنفرانس دوحه برای صلح افغانستان

کنفرانس دوحه فرصتی برای طرفین درگیر در جنگ بیست ساله افغانستان بود تا با هدف تشکیل یک دولت مشارکتی و تعامل گرا گرد هم آیند. این نشست که در تاریخ ۱۶ و ۱۷ سرطان ۱۳۹۸ برگزار شد، به منظور پایان دادن به جنگ و ایجاد اصول مشخص برای همکاری نیازمند یک میانجی قوی بود. هیئت‌های مذاکره‌کننده از هر دو طرف شامل نمایندگان منتخب مردم بودند، اما عدم حضور دولتمردان بلندپایه از سوی جمهوری خواهان، به انتخاب جوانان و افراد نوظهور منجر شد. با وجود امیدواری‌های اولیه، کنفرانس نتوانست اعتماد عمومی را جلب کند. زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا، نتوانست به وعده‌های خود عمل کند و روند مذاکرات تحت کنترل آمریکایی‌ها قرار گرفت. این امر موجب ناامیدی و بی‌اعتمادی مردم افغانستان نسبت به فرآیند صلح شد. چالش‌های کلیدی مانند حقوق بشر و آینده سیاسی کشور همچنان باقی مانده و می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند. اتخاذ موضع دو جانبه از سمت طالبان و تأثیرات مذاکرات بر تحولات افغانستان

تفاهم دو طرف مذاکره‌کننده در هشت بند مشخص شده که هدف آن ایجاد یک نظام اسلامی و همه‌شمول در افغانستان است. پس از مذاکرات آمریکا با طالبان، این گروه برای مذاکره با دولت افغانستان آماده شد. طالبان به این نتیجه رسیدند که پیشروی‌های نظامی می‌تواند موقعیت سیاسی آن‌ها را تقویت کند و به همین دلیل، فعالیت‌های نظامی خود را افزایش دادند. آن‌ها از یک استراتژی دوگانه استفاده کردند: یکی از مسیرها شامل دیپلماسی و کم کردن تلفات در جنگ بود، در حالی که مسیر دیگر بر پیروزی نظامی تمرکز داشت. پس از توافق آمریکا با طالبان، این گروه جنگ را به عنوان تنها راه پیروزی خود انتخاب کرد و عملیات‌های نظامی را تشدید نمود. طالبان با افزایش کنترل بر ولسوالی‌ها، توانستند ۶۵ درصد از مساحت افغانستان را تحت تسلط خود درآورند و با تصرف شهرها و رهایی زندانیان، قدرت نظامی خود را افزایش دهند. این اقدامات نشان‌دهنده موفقیت استراتژی جنگی طالبان و تقویت باور آن‌ها به پیروزی در جنگ بود. (محمودی، ۱۴۰۱)

کارکرد روایت مذاکرات صلح در میزان تنش بین طالبان و آمریکا مذاکرات صلح به طور غیر مستقیم مردم عادی را به ایجاد توازن حداقل باب میان دولت و نوطالبان واداشته یا که میزانی از تساهل و مدارا را با طالبان باز می‌گذارد؛ خصوصاً مردمانی که به طور متناوب در تماس و برخورد با هر دو طرف بوده و تجربه حاکمیت هر دو را دارند (۷۵: ۲۰۰۸ Giustozzi)، رویکرد مشابهی نیز میان نیروهای محلی طالبان وجود دارد که در نتیجه آن کاملاً روی فرماندهان با رفقای متساهل خود تکیه نکرده و ارتباطاتی را نیز با هم قطاران و فرماندهان هم اندیش خود بر اساس انگیزه‌های مشترک شکل می‌دهند. به عبارتی فرماندهان متساهلی که صلح را می‌پذیرند باعث ناامیدی برخی نیروهای محلی خود می‌شوند؛ و این نیروها به صورت تدریجی و یا

ناگهانی به فرماندهانی که موافق فرآیند صلح نیستند و یا منافع شان در این روند تأمین نمی گردد، خواهند پیوست. لازم به ذکر است که معیار این گرایش را باید در قرابت انگیزه ها دانست که سبب شده است یک فرد به عضویت نوطالبان درآید. چنین سیالیتی برای رهبری خسارت بار است خصوصاً در صورتی که درک از صلح نزد این نیروهای میدانی مغایر با مصالح رهبری و تداوم انسجام میان نیروهای میدانی، فرماندهان محلی و رهبری گروه باشد. چنین پدیده ای را باید نقطه ضعف نوطالبان دانست چرخه مداوم پیوستن به مذاکرات صلح و جدایی بخشی از نیروها در نهایت سبب تضعیف انسجام درونی گروه شده و به اختلافات دامن خواهد زد؛ و از همه مهمتر، احتمال جذب نیروهای ناراضی را به گروه های رقیب نظیر داعش خراسان (۴۵: ۲۰۱۸، Giustozzi)، به دلیل قرابت و هم پوشانی برخی از انگیزه های نوطالبان و داعش خراسان افزایش خواهد داد. این مسئله را می توان با استفاده از نظریه ابن خلدون به خوبی تشریح کرد. مطابق نظریه ابن خلدون مقوله آزادی برای طالبان دارای اهمیت فراوانی است، چرا که این مؤلفه در واقع مسیر تحقق همبستگی اجتماعی به شمار می رود، بر اساس تصور غالب اکثریت نوطالبان پشتون هستند و مبنای بر پشتونوالی نهاده اند. هر رویکردی که این گروه داشته باشد نمی توان از این مسئله غافل شد که گرایشاتی پس از ظهور نوطالبان در گروه برای اتخاذ رویکردهای ملی گرایانه تر مشاهده شده که عمدتاً با هدف افزایش جذب نیرو است. از این رو دست خود را برای جذب دیگر اقوام مانند هزاره ها نیز دراز کرده اند. گفته شد که طالبان در لوایح خود بیشتر بر شریعت و نه پشتونوالی تأکید می کند که این خود، ذاتاً مغایر، سنت، تاریخ و فرهنگ پشتون ها است. به عبارت دیگر نوطالبان به دنبال تحقق مدنیت است که مستلزم تحقق آزادی است. این گروه پیش تر مدنیت را مبتنی بر آزادی اراده پشتون ها محقق کرده بود و اکنون نیز به دنبال همان مدنیت از طریق تحقق نوع متفاوتی از آزادی اراده این بار در سطح ملی است. به این منظور در گام نخست نوطالبان باید ارتباطات مسلط خود با همبستگی اجتماعی پشتون ها به نفع تقویت آزادی جغرافیای دین ایدئولوژی و ملی گرایی را بگسلاند و این موضوع به تدریج این گروه را از مهم ترین پشتیبان سنتی منابع انسانی خود یعنی قبایل (بدویت) محروم خواهد ساخت (۱۱۴: ۲۰۱۶، Safari)، ایجاد توازن میان این دو معضلی است که نوطالبان پس از سقوط امارت اسلامی با آن مواجه بوده است.

تمایل نوطالبان به تشکیل دولت مدنی سبب شد تا این گروه به دلیل مزایای امنیتی در دسترس و ارزان بودن به استخدام مزدوران روی آورد. ناگفته پیداست که این مزدوران فاقد همبستگی اجتماعی با گروه بوده و برخلاف نیروهای قومی نوطالبان بقای هویت قومی را بر هیچ چیز حتی خود نوطالبان ترجیح نمی دهند.

(Ahmed, ۱۸۹: ۱۹۸۰)؛ طالبان بر این باورند که افغانستان اشغال شده و دین و تمامیت ارضی آن در خطر است، که این نگرش بر تلاش‌های آن‌ها برای ایجاد دولت مدنی تأثیر منفی گذاشته است. در دوران انتقال از دولت بدوی به دولت مدنی، طالبان در وضعیت آسیب‌پذیری قرار دارند و مذاکرات صلح می‌تواند هم فرصتی برای پیشرفت و هم تهدیدی برای مشروعیت داخلی آن‌ها باشد. برای جلوگیری از فروپاشی، نیاز به احیای مشروعیت داخلی وجود دارد. طالبان همچنین با انجام عملیات‌های خونین در زمان مذاکرات، سعی در تقویت موقعیت سیاسی و مذهبی خود دارند. (Abed, ۲۰۱۹)، موضع و اتهامات ایرادی خود را صرفاً دو روز پیش از کنفرانس صلح دوحه در جولای ۲۰۱۹ تجدید کرد، (Ahmad, ۲۰۱۹) و حمله خونینی را در کابل (۶ سپتامبر ۲۰۱۹) تنها دو روز بعد از اعلام قصد ایالات متحده آمریکا برای دعوت از طرفین افغانستانی به کمپ دیوید اجرایی نمود. (BBC, ۲۰۱۹) نوطالبان حمله انتحاری مهیبی را به پایگاه هوایی بگرام طی مذاکرات صلح در دسامبر انجام داد.

(Mashal, ۲۰۱۹) صلحی که قرار است از این مذاکرات حاصل شود به معنای واقعی کلمه سبب نوطالبانی فروپاشیده ناهماهنگ و متفرق میشود که الزاماً هیچ گونه مشارکت سیاسی را برای این گروه به همراه نخواهد داشت. به نظر میرسد حصول صلح الزامی نباشد چرا که پیوستن به مذاکرات صلح می‌تواند به اندازه کافی سرنوشت نوطالبان را برای همیشه مختوم سازد. به عقیده ناگامینه (۲۰۱۵: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۹)، زمانی که رهبری می‌پذیرد که به مذاکرات صلح بپیوندد؛ منجر به افزایش احتمال افول مشروعیت درونی خود شده است. به منظور اجتناب از این نتیجه نامطلوب ناگامینه موانع رسانه‌ای را در نوطالبان شناسایی می‌کند که رهبری با خلق آن مانع انتشار اخبار دشمنان به نیروهای محلی شده و با مصادره به مطلوب اخبار را به نحوی ارائه می‌دهد که با ماهیت اصلی خبر مغایرت دارد. این همان ابزار مهمی است که نوطالبان از آن برای بقای خود و کاهش عدم اطمینان میان نیروها استفاده میکند تا بتواند اهداف خود را با فراغ بال بیشتری از طریق مذاکرات صلح پیگیری نماید. (Nagamine, Y. ۲۰۱۵)

برخی صاحب نظران این حملات را عدم صداقت نوطالبان تداوم خشونت‌ها و رد نظریه نوطالبان قلمداد کرده و استدلال می‌کنند که هیچ تغییری در اندیشه این گروه از زمان امارت تاکنون رخ نداده است. در واقع این روند را باید نمودی از فرآیند مشروعیت سازی گروه دانست به عبارت دیگر، روند مذکور پاسخی به بحران مشروعیت درونی گروه پس از آغاز فرآیند مشروعیت زدایی یعنی در مذاکرات صلح است؛ در غیر اینصورت، رهبری گروه به مرور با اتهام تساهل با کفار و طاغوت مواجه شده و باید در دفاع از پیوستن به مذاکرات پاسخگو باشد تا مبدا این مذاکرات

ضعف گروه را نمایش دهد. نکته جالب توجه آنکه در برخی حملات تاکتیک انتحار غالب است در حالی که عمل انتحار به شدت ذیل لوایح نوطالبان محدود شده است مگر اینکه هدف دارای چنان ارزشی باشد که بتوان از جان یک انسان چشم پوشی کرد، (Stenersen، ۲۰۱۰: ۲۷-۲۸) و چه هدفی می تواند مهمتر از حفظ مشروعیت گروه به عنوان بنای دیگر اهداف باشد. علت اصلی گرایش گروه به فرآیند صلح و پذیرش خطر مشروعیت زدایی را باید در چیزی فراتر از «صلح» جست؛ در غیر این صورت پیوستن به فرآیند صلح چیزی بیش از یک خودکشی سیاسی نخواهد بود. احتمال می رود همین مسئله مورد توجه ایالات متحده آمریکا نیز بوده و یکی از دلایل پذیرش مذاکرات صلح باشد. لازم به ذکر است پیشتر ایالات متحده مذاکره با طالبان را در ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ قویاً رد کرده بود (Safari، ۲۰۱۶: ۱۹۹) و زمان بسیاری تا پذیرش مذاکرات بدون پیش شرط سپری شد، (Rutting & Ali، ۲۰۱۸) در سوی دیگر طالبان نیز برای فائق آمدن بر این عدم توازن به تغذیه خبری نیروهای محلی خود روی آورد تا، با تکیه بر شناخت امور و جهان بینی این افراد بتواند امور را بهتر پیش ببرد. توجه به جهان بینی نیروها و فرماندهان محلی در فرآیند صلح به نسبت حلقه رهبری و مذاکره کننده های گروه کمتر بوده است؛ این افراد اطلاعات خود را از مبادی تبلیغی گروه اخذ می کنند که بسیار نزد آنها معتبر و دقیق انگاشته می شود. بر این اساس، نوعی سانسور و جعل خبری برای اقناع یا ممانعت از تهییج با زبانی قابل فهم و واژگانی

جهت دار، به منظور حفظ انسجام گروه مشاهده شده است تا به این شکل از فروپاشی نوطالبان ممانعت شود. یکی از بهترین نمونه های جعل اخبار توسط نوطالبان هنگام مذاکرات صلح هویدا شد، که از نظر محتوا و حجم داده منحصر به فرد بود. بیانیه مشترک کنفرانس صلح دوحه به سه زبان انگلیسی فارسی و پشتو به طور رسمی منتشر شد، اندکی بعد از کنفرانس، طالبان نسخه ای از بیانیه را به زبان اردو منتشر کرد؛ که دارای مغایرت محتوایی و شکلی با سه نسخه دیگر بود. نوطالبان در نسخه اردو، خود را به عنوان طرف پیروز معرفی کرده که توانسته است «احترام جوامع محلی، ملی و بین المللی» را به پاس فداکاری ها در راه ملت پایان اشغال و همراه ساختن حقوق زنان با شریعت اسلامی را به دست آورد. توجه به هر یک از موارد اشاره شده از آن جهت اهمیت دارد که در هیچ کدام از سه نسخه دیگر اشاره ای به موارد فوق نشده است، (Ahmad، ۲۰۱۹) نسخه اردو مطابق اهداف و آرمانهای جهادی گروه یعنی کسب احترام برای جهاد، شناسایی بین المللی و ملی و از همه مهتر آزادی کشور از اشغال و اجرای شریعت تنظیم شده است. (سلیمی، فرزاد، کریمی مقام، علی، ۱۴۰۰: ۱۳۳-۱۳۴)

### کاهش خشونت

توافق دوحه منجر به کاهش قابل توجهی در سطح خشونت‌ها شد. این کاهش خشونت به ایجاد فضایی برای گفت‌وگوهای بیشتر کمک کرد. شاید مهم ترین دستاورد این مذاکرات این بود که حل مشکلات افغانستان، باید به صورت داخلی انجام پذیرد. حکومت‌ها و نیمه حکومت‌هایی که زیر سایه قومیت هر کدام مدعی بودند برای کرسی حاکمیت، از جمله مشکلات کلان افغانستان بودند که باید در داخل حل و فصل می شد.

توافق صلح و خروج آمریکا؛ تغییر معادلات حضور احتمالی اسرائیل در افغانستان حضور آمریکا در افغانستان نه تنها تهدیداتی برای این کشور دارد، بلکه می‌تواند به نفوذ اسرائیل نیز منجر شود. تجارب گذشته نشان می‌دهد که حضور آمریکا در کشورهای مختلف به افزایش نفوذ اسرائیل در آن مناطق انجامیده است. افغانستان به‌عنوان بخشی از آسیای مرکزی، می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران باشد. هرچند در کوتاه‌مدت نفوذ اسرائیل به دلیل وجود جبهه متحد شمال محدود است، اما این وضعیت تضمینی برای عدم نفوذ در آینده نیست. حضور آمریکا در افغانستان موجب تقویت روابط استراتژیک اسرائیل و آمریکا شد و اسرائیل توانست اقدامات خود علیه فلسطینیان را به عنوان بخشی از مبارزه جهانی علیه تروریسم توجیه کند. این تغییرات به اسرائیل اجازه داد تا بدون محدودیت با فلسطینیان تعامل کند. بنابراین، اشغال افغانستان توسط آمریکا احتمال نفوذ اسرائیل در این کشور را افزایش می‌دهد و تهدیدی برای امنیت ملی ایران باقی می‌ماند. نتانیاهو نیز به‌طور علنی از ایجاد ترس در منطقه برای تحریک آمریکا به حمله نظامی به برنامه هسته‌ای ایران صحبت کرده است، که نشان‌دهنده احتمال استفاده اسرائیل از فضای کشورهای همسایه علیه جمهوری اسلامی ایران است. (ملازهی، ۱۳۸۴: ۱۳۷؛ حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۳۳۷؛ عبدلی، ۱۴۰۲: ۶۲)

### نتیجه گیری

مذاکرات بین آمریکا و طالبان نشان‌دهنده تلاشی جدی برای کاهش تنش‌ها و دستیابی به صلح پایدار در افغانستان است. موفقیت این فرآیند به تعهد واقعی هر دو طرف و حمایت جامعه بین‌المللی وابسته است. طالبان در حال تجربه تحولی بنیادین است که اگرچه ذات گروه تغییر نکرده، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ساختار آن داشته باشد. ظهور ملی‌گرایی دینی در میان اعضای طالبان به منظور کسب حمایت عمومی و تأکید بر مفاهیم ملی‌گرایانه است. این مذاکرات مردم را به ایجاد توازن میان دولت و طالبان واداشته و برخی افراد با تجربه حاکمیت هر دو طرف به تساهل و تعامل با طالبان گرایش پیدا کرده‌اند. این وضعیت ممکن است به تضعیف انسجام درونی طالبان و افزایش جذب نیروهای ناراضی به گروه‌های رقیب مانند داعش خراسان منجر شود. علاوه بر این، ملی‌گرایی

مذهبی می‌تواند طالبان را به فاصله‌گیری از منابع مشروعیت سنتی سوق دهد، به ویژه زمانی که مذاکره به عنوان ابزاری مؤثرتر نسبت به جهاد در نظر گرفته شود. بنابراین، طالبان باید به مداخله فعال برای ایجاد توازن میان ملی‌گرایی مذهبی و جهاد بپردازد تا هویت و مشروعیت خود را حفظ کند.

#### منابع

۱. امامی، حسام الدین. افغانستان و ظهور طالبان. تهران: موسسه شاب، ۱۳۸۷.
- اندیشمند، اکرام. امریکا در افغانستان. کابل: میوند، ۱۳۸۴.
۲. پهلوان، چنگیز. افغانستان عصر مجاهدین و برآمدن طالبان. تهران: نشر قطره، ۱۳۷۷.
۳. پیرمحمد ملازهی. «بررسی مکاتب اسلامی در پاکستان». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام. س. ۶. ش. ۲۴. زمستان ۸۴.
۴. حاجی یوسفی، امیر محمد. گفتارهایی در سیاست خارجی ایران (تهران: فرهنگ گفتمان ۱۳۸۳)؛
۵. دادخواه، درمحمد. از بن تا دوحه تحولات دو دهه افغانستان با رویکرد به سیاست خارجی کشور. تهران: مانا نگار، ۱۴۰۲.
۶. سرافراز، محمد. جنبش طالبان از ظهور تا افول. تهران: سروش، ۱۳۹۷.
۷. سلیمی فر، فرزاد و علی کریمی مقام. معمای صلح افغانستان نسبت نوطالبان و داعش. بی جا: کلکین، ۱۴۰۰.
۸. عبدلی، علی، جهانی راد و بهرام مرادی. افغانستان پسا ۱۱ سپتامبر و امنیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: اندیشکده صنایع نرم، اندیشکده روابط بین الملل، ۱۴۰۲.
۹. علی آبادی، علیرضا. جامعه و فرهنگ افغانستان. تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۹۵.
۱۰. فاضلیار، فضل الرحمن. جامعه جهانی و دولت، ملت سازی در افغانستان از ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۵. کابل: سرو سعادت، ۱۳۹۵.
۱۱. محمدی، فاطمه. «حکمرانی دوم طالبان؛ حقوق بشر و مسئولیت امریکا». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. س. ۲۸. ش. ۱۱۷. ۱۴۰۱.
۱۲. مسجدجامعی، محمد. افغانستان و طالبان جدید. تهران: موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر، انتشارات مطالعات راهبردی. تهران: مرام، ۱۴۰۱.

۱۳. -Abed, F. (2019, April 3). Taliban Attack Kills Dozens in Afghanistan despite U.S. Efforts in Peace Talks. The New York Times. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2019/04/04/world/asia/taliban-attack-afghanistan.html>
۱۴. -Abed, F. (2019, April 3). Taliban Attack Kills Dozens in Afghanistan despite U.S. Efforts in Peace Talks. The New York Times. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2019/04/04/world/asia/taliban-attack-afghanistan.html>
۱۵. -Ahmed, A. S. (1980). Pukhtun Economy and Society traditional structure and economic development in a tribal society. London Routledge Kegan Paul
۱۶. -Amad. T. (2019, July 12). The Doha Agreement: Paving The Way For the Taliban's Takeover Of Afghanistan And Enforcement Of Sharia-Based Governance (191), In Retrieved from MEM website <https://www.memoreports.com/doha-agreement-%E2%80%93-paving-way-talibans-takeover-afghanistan-and-enforcement-sharia-based>.
۱۷. -BBC. (2019, September 18). Afghanistan war: Taliban tell Trump their 'doors are open'. BBC. Retrieved from BBC: <https://www.bbc.com/news/world-asia-49729612>
۱۸. Giustozzi, A. (2008). Koran, Kalashnikov, and Laptop: The Neo-Taliban Insurgency in Afghanistan. New York: Columbia University Press.
۱۹. -Giustozzi, A. (2018). The Islamic State in Khorasan: Afghanistan, Pakistan and the New Central Jihad. London: Hurst & Company
۲۰. -Heber, M., Platt, D. E., Bonab, M. A., Youhanna, S. C., Soria-Hernandez, D. F., Martinez-Cruz, B., ... & Whale, J. (2012). Afghanistans ethnic groups share a Y-chromosomal heritage structured by historical events. *PloS one*, 7(3):34
۲۱. -Nagamine, Y. (2015). The Legitimization Strategy of the Taliban's Code of Conduct: Through the One-Way Mirror. New York: Palgrave & Macmillan. Osman, B; Gopal, A. (2016). «Taliban Views on a Future State». Retrieved from Center on International Cooperation website: [https://cic.nyu.edu/sites/default/files/taliban\\_future\\_state\\_final.pdf](https://cic.nyu.edu/sites/default/files/taliban_future_state_final.pdf)
۲۲. -Nagamine, Y. (2015). The Legitimization Strategy of the Taliban's Code of Conduct: Through the One-Way Mirror.
۲۳. -Rutting, T., & Ali, O. (2018, January 24). Words, No Deeds: 2017, another lost year for peace (talks) in Afghanistan. Afghanistan Analysts Network, Retrieved on December 14, 2019 from <https://www.afghanistan-analysts.org/words-no-deeds-2017-another-lost-year-for-peace-talks-in-afghanistan/>
۲۴. -Safari, G. (2016). Taliban [In Farsi]. Tehran: Andishe Sazan-e Noor –Institute for Strategic Studies.
۲۵. -Stenersen, A. (2010). «The Taliban insurgency in Afghanistan-organization. Sciences (pp. 13085-13090). Pergamon. Leadership and worldview (FFI-rapport 2010/00359) ». Retrieved from Norwegian Defence Research Establishment (FFI) website: <https://admin.ffi.no/no/Rapporter/10-00359.pdf>